

یادداشت

خَلاَ قانونی یا تَبانی‌های چَرک؛ اقدامات مشکوک

سعید سرفرازان

به جرأت می‌توان گفت فوتبال ایران به بهشت دلالتان و ایجنت‌های بازیکنان فوتبال تبدیل شده است. چون می‌توانند با آوردن بازیکنان بی‌کیفیت پول‌های کلان به جیب بزنند، بدون اینکه مورد بازخواست خاصی قرار بگیرند. مدیران باشگاه‌ها از قانون نقل و انتقالات بین‌المللی آگاهی کافی ندارند و حتی برایشان سخت است که در کنار آن‌ها وکلای قانون شناس و ماهری حضور داشته باشد تا بر روند امضای قراردادهایی که با بازیکنان و مربیان خارجی صورت می‌گیرد نظارت داشته باشند، به همین دلیل دلالتی که به جاهای مشکوک وصل هستند می‌توانند به راحتی هر بازیکن بی کیفیتی را با هر شرایطی که آن‌ها تعیین کنند به تیم‌های ایرانی قالب کنند و حتی برای بعد از امضای قرارداد و دریافت حق ایجنتی هم نقشه‌های گنج بدون رنج بکشند. کافی است قرارداد بازیکن خارجی تیم را طوری تنظیم کرد که با عقب افتادن دو قسط و بعضاً حتی کمتر از دو قسط مقدمات فسخ قرارداد و سپس شکایت به فیفا را فراهم کرد تا مسیر رسیدن به پول‌های کلان هموار شود، متأسفانه در سال‌های اخیر و با باز شدن پای بازیکنان خارجی به فوتبال ایران این موضوع به یک موضوع روتین تبدیل شده است. حتی برخی به مزاج می‌توانند در این مسیر با اعمال نفوذ و تأثیر گذاری با افرادی جاعل دست به پرورده سازی ز باشگاه‌های کشورمان می‌شود رسیدگی کنند، البته این حرف یک مزاح تلخ و یک واقعیت محض است که در قالب شوخی و مزاح بیان می‌شود. در سال‌های اخیر به طور میانگین سالانه شش هفت پرونده از طرف تیم‌های ایرانی در فیفا و مجامع قضایی مرتبط با ورزش مورد بررسی قرار می‌گیرد و با تأسف اغلب این پرونده‌ها به ضرر طرف‌های ایرانی منتهومه می‌شوند، پس حتما کسانی هستند که در خارج و حتی داخل کشور می‌توانند در این مسیر با اعمال نفوذ و تأثیر گذاری با افرادی جاعل دست به پرورده سازی های دورغین بزنند و با بی اطلاعی مدیران باشگاه‌های کشور و خَلاَ قانونی و البته عدم نظارت کافی نهادهای نظارتی از فوتبال بی در و پیکر ایران پول‌های تَیَل به جیب بزنند. فوتبال ایران به گاو پیشانی اعزیز در مجامع بین‌المللی این رشته‌ی جذاب ورزشی تبدیل شده از بس که از ایران پرونده‌ی شکایت و اعتراض در فیفا ارسال می‌شود. به تازگی هم اِدا عده که افرادی هستند که از عدم حضور مراجع قضایی و نظارتی سواستفاده می‌کنند تا به نوع و زمان رسیدگی این پرونده‌ها دخل و تصرف صورت گیرد، و از این راه به پول‌های خوبی هم رسیده‌اند. وضعیت فوتبال ایران در مورد شکایت های بیشماری که از آن در فیفا وجود دارد گل بود به سبزه هم آراسته شد. اگر به یاد داشته باشید پرونده‌ی شکایت پروینچ در استقلال با مبلغی در حدود چهل هزار دلار و حتی کمتر به فیفا رسید ولی وقتی این پرونده بسته شد پروینچ چهارصد و هفتاد هزار دلار از استقلال دریافت کرد، البته مشابه این پرونده‌ها در همه‌ی تیم‌های فوتبال ایران به وفور وجود دارد که پرداختن به آن‌ها به فرصت و زمان زمان نیاز دارد. حالا که کدهایی از سوی بعضی افراد شافل در فوتبال در مورد سواستفاده و به نوعی اخاذی از پرونده‌های قضایی فوتبال بیان شده می‌طلبد قوه قضائیه و نهادهای نظارتی با جدیت بیشتری به این موضوع ورود کنند و این نادانی‌را برای همیشه ببندند و اهالی این حکایت ملال آور را رسوای خاص و عام کنند!

علیه تراکتور، بر ضد استقلال

اردشیر لارودی

وقتی کار به اینجا می‌رسد، از این مجازات برای تفهیم شرایط پیش‌آمده، استفاده می‌کنند: ... اش خیلی شور شده و خان هم فهمیده است! آیا حق با رضا اسدی نبود که تراکتور را منطبق با اصول و اولویت‌های ویژه می‌خواست؟ تراکتور کار و شخصیت حرفه‌ای تراکتور، دستخوش یک بازی بد و خیل بد هم شده است! کسانی که استخدام شده بودند، دفاع کنند از دغدغه‌های تراکتور، انکار که آن کار دیگر کرده‌اند و به زیان تراکتور در جلسه‌های چندی اظهار نظر و اقامه دعوا کرده‌اند!

زنوزی از هوشنگ نصیرزاده نام می‌برد که گویا بسیار بیشتر از بقیه مورد اعتماد و وثوق تراکتور بوده است، ولی هنگامی که کار به دادگاه فیفا کشید، قرانن را جور دیگری عرضه داشتند و برد حقوقی در محکمه استابول را به یک باخت همه‌جانبه بدل کردند، اما چگونه؟ اما چرا؟ حریف تراکتور در مورد دو بازیکن اسکاتلندی و ایرلندی -یا هر جای دیگری- چگونه استدلال‌های تراکتور را به خود این تیم برگرداند؟ تمام ادله، چطور به زیان چند صد هزار دلاری تراکتور، تغییر پیدا کرد؟ مگر همه آقایان وکلا، یکپارچه و متفقا، تراکتور را برنده پیشاپیش این دادگاه نمی‌دانستند، پس چرا جور دیگری شد؟ زنوزی، حسن بسیار بدی دارد، هم درباره عملکرد وکلایش در تراکتور و هم در مورد ماشین‌سازی! چه بداقبال است این زنوزی؟ این هم از همکاری همکاران!

یحیای عاقل، یحیای ماهر

یحیی گل‌محمدی، زیرکانه و هم عاقلانه، درباره امروز و فردای پرسپولیس در لیگ برتری که آینده اش معلوم نیست که چگونه به جلو می‌رود، حرف زد! ما صحیح و هم صریح! بدون لاپوشانی، در کمال شجردگی! یحیی، نه شعاری سخن گفت و نه سوار موج شد! حرف‌های او درباره مسائل روز، هم مسئولانه بود و هم توأم با آگاهی! نه هیجان‌زده و نه خسته و نشسته! ... آماده‌ایم برای شروع دوباره، ولی این شروع و جوانب آن را موکول می‌دانیم به تصمیم‌های روزآمد تصمیم‌گیران! برای فوتبال و برای پرسپولیس، اولویت اول، حفظ جان حتی یک نفر از مردم است! آری، جان همه را باید پایید و هیچ‌کس را به خطر حداثلی هم، مواجه نکرد! اول سلامتی، دوم سلامتی و سوم هم سلامتی! بعد بازی، بعد پیشرفت!

یحیی البته به یک اولویت دیگر هم، با قوت اشاره کرد:مردمی هستند که در کنار لیگ برتر، اقتصاد کوچک و یا بزرگی دارند! کسانی که از این طریق امرار معاش می‌کنند! در تیم‌ها، در باشگاه‌ها، در فدراسیون و در سازمان لیگ! به این چرخه هم باید توجه داشت! نان و کسب و کار مردم!یحیی حرف‌هایش را با مزه‌مزه کردن به زبان آورد! نه به میخ زد و نه به نعل کوبید! بدون ادا، بدون فرصت‌طلبی و بدون هر ابفای نقشی!

کلاهی چه بزرگ و چه گنبد

کار استقلال، به تماشا کشیده می‌شود! تازم‌مدیران جدیدالمیدان، به رغم نیت خوب‌شان، به واسطه درد بی‌پولی و تقابل علم اقتصاد، زود به اشتباه می‌افتند و به جاده خاکی می‌زنند!ا مردم رنده‌ای روزگار هم که در واقع، نمرده‌های حق‌باز و کلک‌اندازهای زمانه‌اند، به سوءاستفاده می‌پردازند و ضمن کلاه‌داری، کلاه هم می‌گذارند! مثل ادعای دروغین تسویه حساب با دیاباته و ملیج که از بیخ «چاخان» بازی بود و کلاه‌کلاه کردن!

و اینجاست که کار استقلال دیدنی می‌شود! یک طرف مردانی که ساده‌اندیشی کرده‌اند، طرف دیگر گرگ‌های گوسفندنمایی که به گله زده‌اند و چپ‌ها که نکرده‌اند! این وسط، هم خلیل زاده مانده است، مهیوت و مات که اینان دیگر یکسبند و چه‌جور هوادارانی به شمار می‌آیند؟! و نیز احمد ساداتمند که هنوز هم نمی‌داند، کدام را باید باور کند؟ دم خروس را که از لای پیراهن دغلکاران متقلب بیرون زده، یا وعده وعیدهای پر از فریب آرسن لوپن‌های روزگار؟! کلاهبرداری که حتی می‌توانند، سر استقلال هم کلاه بگذارند! درباره اسکوچیچ و چشم‌اندازش برای تیم ملی، فردا چیزکی خواهیم نوشت!

دندان پوپولیسم را بکش!

سام ستارزاده

بدهی ۴۰ میلیداری جاری باشگاه پرسپولیس یک خبر تلخ ولی روتین بود که از زبان عضو هیأت مدیره سرخ‌ها نقل شد. این مبلغ، تنها بخشی از بدهی کلان یکی از شهرواددارترین باشگاه‌های ایرانی است که باید طی یکی دو ماه آینده صاف شود؛ آن هم در شرایطی که شایعات کوچ ناگهانی بازیکنان سرخ‌پوش هم روزبه‌روز جدی‌تر می‌شود.
بشار رسن پرداختش را از همین حالا، به مقصد قطر بسته، شجاع خلیل‌زاده، علی علپور و مهدی ترابی سودای لژیونر شدن را در سر دارند. آنتونی استوکس و کریستین اوساگونا هم فعلاً به بازگشت به ایران حتی فکر نمی‌کنند. تمام این بازیکنان و حتی آنهایی که برای فصل بعد هم تحت قرارداد با پرسپولیس هستند، از عدم دریافت معوقاتشان شاکي هستند. جدیدترین نمود شکایتشان هم، پاک کردن پست اینستگرامی مشترکی بود که در حمایت از مدیران باشگاه نوشتند.
حجم کم‌رشدی بدهی در اردوگاه قرمزها، بی‌شباهت به رقیب سنتی و بسیاری دیگر از لیگ برتری‌ها نیست. اما تفاوت پرسپولیس با اکثر تیم‌های دیگر، در خرج‌هایی است که در سال‌های گذشته صورت گرفته تا مسبب بخش بزرگی از این بدهی سر به فلک کشیده کنونی باشد.
شیوه مدیریت عوامفریبانه که در آن خزانه باشگاه به‌جای نقدینگی با خیر و وعده پر می‌شود، ستون‌های پرسپولیس را هر روز بیشتر از دیروز می‌لرزاند. شاید پارسال در چنین روزی می‌شد این فاجعه را پشت افتخارآفرینی‌های متوالی پرسپولیس برانکو پنهان ساخت؛ اما بالاخره روزی مانند امروز فرا می‌رسید که به خود بباییم و این سؤال را از اداره‌کنندگان پرسپولیس در سه فصل اخیر برسیم: «اگر شما آهی در بساط نداشتید، چگونه و با چه پشتوانه‌ای سه سال است که چنین بی‌پروایانه دست به هزینه‌های گزاف و زاینبار می‌زنید؟»
مدیران سابق پرسپولیس، چه از نایب قهرمانی آسیا دو میلیون درآمد کسب کردند، با ماریو بودیمیر قرارداد ۵۰۰ هزار یورویی بستند. و اسمال در حالی که حساب‌های تهی باشگاه برانکو و کالدرون را به درب خروجی هدایت کرد، بیش از ۲۰۰ هزار دلار به جونیور براندائو دادند تا از عهده کنترل ساده توپ هم برنایند و ۱۶۰ هزار دلار هم به استوکس تا در دبی خود را غرق لذت و عیاشی کند و بیشتر هم پول بخواهد. البته صورت‌حساب‌های نجومی بازیکنان خارجی، تنها یک نمونه از شاکلار مدیریت بی‌سرخ‌هاست که باید کنار ماجرای بستن قرارداد دلاری با بازیکنان داخلی و اردوی زمستانی کم‌السبار که اخیراً مشخص شد برای شاگردان برانکو رایگان نبوده، قرار گیرد تا به درک عمیقی از کوتاه‌نگری اقتصادی تمام مدیران اخیر پرسپولیس برسیم. این خرج‌های افسارگسیخته که سال‌هاست با اصطلاح «بمب ترکاندن» روی آن سرپوش گذاشته می‌شود، شاید روزی با گردآوردن یک تیم کپکشانی هواداران پرسپولیس را از افتخارآفرینی‌های تیم محبوبشان سرخوش کرد تا چشم بر تیرگی بیشتر وضع اقتصادی باشگاه محبوسان ببینند. اما اکنون، دالر ۱۷ هزارتومانی حقیقت وحشتناکی را روی پرده انداخته که هیچ یک از مدیران سابق پرسپولیس حتی برای گردن گرفتن آن بازخواست نمی‌شوند.
کادر مدیریتی که باید این اقتضاح به‌بار آمده را جمع کند نیز اکنون عملاً تنها از سه نفر تشکیل شده است. سرپرست موقت پرسپولیس، گویا دندان‌پزشک ماهری است. او شاید نتواند توان اداره مالی باشگاه در درازمدت را داشته باشد؛ اما دست کم می‌تواند به این چرخه پوپولیسیم پایانی بگذارد.
توقع زیادی است چه از سرپرست کنونی و چه از مدیرعامل آینده سرخ‌پوشان، بخوابیم برای رفع موانع اقتصادی خودشان و سایر باشگاه‌های داخلی، یک‌بار برای علیه حق بخشی که به فوتبال داده نمی‌شود، برای عمده درآمد تبلیغات محیطی و برندینگ که به رایگان نصب دیگران می‌شود و لیگی که شرکت در آن پاداش مالی ندارد، نیروی مردمی حامی پرسپولیس را بسیج کنند. تنها می‌شود از آنها طلب کرد که بگذارند این مردم عاشق فوتبال و عاشق پرسپولیس، با چهره واقعی تیمی مواجه شوند که برخاسته از فوتبالی است محروم از درآمدزایی از راه‌های متداول و قبضه شده به‌دست افراد متفرقه

استیبار

روزنامهصبح ایران

دستمزد بازیکن را باشگاه باید پرداخت کند یا طرفدار؟

یک هوادار مدعی شده که بخشی از دستمزد شیخ دیاباته و ملیج را پرداخت کرده و بعد کاشف به عمل می‌آید سندی که این هوادار رو کرده جعلی است و از همه بدتر غلط املایی هم دارد! بابت همین کار هم از او در رسانه رسمی تشکر کرده‌اند!

موضوع جداً ناراحت‌کننده است؛ باشگاه استقلال یکی از دو سه باشگاه بزرگ فوتبال ایران است. باشگاهی که قدمت آن به دهه‌ها قبل از انقلاب برمی‌گردد و از سویی پرافتخارترین تیم ایرانی در فوتبال باشگاهی آسیا به شمار می‌رود. آیا هزینه دستمزد بازیکن این باشگاه باید از سوی هوادار پرداخت شود؟ بله هوادار می‌تواند به باشگاه کمک مالی کند، اما در نهایت پرداخت پول به بازیکن باید از سوی باشگاه باشد و سند او توسط حسابداری باشگاه تأیید شود! این اینکه هواداری از آن سوی مرزها به دروغ مدعی شود که حساب بازیکنان پول ریخته و بعد دو بازیکن خارجی مدعی شوند سندی که باشگاه رو کرده دروغ است! اینجا تقصیر کیست؟

هر کس می‌تواند از هر فرصتی «سوءاستفاده» کند و قانون هم تکلیف چنین انسان‌های این‌الوقتی را مشخص کرده و حرجی بر آن آدم زرنگ نیست و باید یقه کسی را گرفت که فرصت این اتفاق را مهیا کرده. ایراد از مدیریت باشگاه استقلال است؛ اینکه به هر کسی اعتماد می‌دهد، به سندی را می‌پذیرد و آن را منتشر می‌کند. از همه مهمتر اینکه برای پرداخت دستمزد بازیکن به هوادار رو می‌اندازد! تصور می‌کردیم استقلال به عنوان یک باشگاه بزرگ و پرتماشگر در ایران اینقدر ظرفیت درآمدزایی دارد که برای پرداخت دستمزد بازیکن به هر کسی رو نیندازد. به عقب‌تر برگردیم؛ باید به وزارت ورزش و جوانان خرده بگیریم که چرا این همه برای استقلال و پرسپولیس مدیر می‌گذارند؟ سالی سه، چهار مدیر برای پرسپولیس و استقلال انتخاب می‌شود در حالی که در باشگاه‌های حرفه‌ای کمترین عمر مدیریت سه، چهار سال است. در ایران هم می‌تواند عمر مدیریت باشگاهی ۳ تا ۴ سال باشد، چون هر دولتی که به سر کار

می‌آید دست‌کم ۴ سال سر کار می‌ماند و وزارت ورزش و جوانان هم می‌تواند مدیر مورد اعتماد خود را برای ۴ سال برای استقلال و پرسپولیس برگزیند. اگر به توان مدیر انتخابی خود ایمان دارید که او را گذاشته‌اید، پس حمایتش کنید و اگر طرف این کاره نیست چرا از اول انتخاب می‌شود؟ این رفتار باشگاه استقلال ما را به یاد فوتبال محلی می‌اندازد: در روزهایی که پول در فوتبال خیلی برو بیا نداشت. دهه‌ها پیش مربی بازیکن را به خدمت می‌گرفت و از فلان هوادار پولدار تیم می‌خواست مقداری پول به بازیکن بدهد. یا یک ماشین برای او بخرد و یا... تازه آن موقع‌ها اصلاً این‌طور نبود که هوادار به دروغ به مربی یا مدیر باشگاه بگوید به بازیکن پول داده و بازیکن منکر شود و در این بین آبروی باشگاه به تاراج برود. وقتی شیخ دیاباته و ملیج در این باره با رسانه‌های خارجی صحبت کنند، دیگر بازیکنان و مربیان خارجی چه فکری در مورد باشگاه استقلال و فوتبال ایران خواهند کرد؟

سند جعلی پرداخت به بازیکنان خارجی استقلال تنها یک سند جعلی نبود، سوءاستفاده از نام باشگاه استقلال بود. بازی یک به اصطلاح هوادار با اسم بزرگ استقلال بود و جالب اینکه می‌آید دست‌کم ۴ سال سر کار می‌ماند و وزارت ورزش و جوانان هم می‌تواند مدیر مورد اعتماد خود را برای ۴ سال برای استقلال و پرسپولیس برگزیند. اگر به توان مدیر انتخابی خود ایمان دارید که او را گذاشته‌اید، پس حمایتش کنید و اگر طرف این کاره نیست چرا از اول انتخاب می‌شود؟ این رفتار باشگاه استقلال ما را به یاد فوتبال محلی می‌اندازد: در روزهایی که پول در فوتبال خیلی برو بیا نداشت. دهه‌ها پیش مربی بازیکن را به خدمت می‌گرفت و از فلان هوادار پولدار تیم می‌خواست مقداری پول به بازیکن بدهد. یا یک ماشین برای او بخرد و یا... تازه آن موقع‌ها اصلاً این‌طور نبود که هوادار به دروغ به مربی یا مدیر باشگاه بگوید به بازیکن پول داده و بازیکن منکر شود و در این بین آبروی باشگاه به تاراج برود. وقتی شیخ دیاباته و ملیج در این باره با رسانه‌های خارجی صحبت کنند، دیگر بازیکنان و مربیان خارجی چه فکری در مورد باشگاه استقلال و فوتبال ایران خواهند کرد؟

سند جعلی پرداخت به بازیکنان خارجی استقلال تنها یک سند جعلی نبود، سوءاستفاده از نام باشگاه استقلال بود. بازی یک به اصطلاح هوادار با اسم بزرگ استقلال بود و جالب اینکه می‌آید دست‌کم ۴ سال سر کار می‌ماند و وزارت ورزش و جوانان هم می‌تواند مدیر مورد اعتماد خود را برای ۴ سال برای استقلال و پرسپولیس برگزیند. اگر به توان مدیر انتخابی خود ایمان دارید که او را گذاشته‌اید، پس حمایتش کنید و اگر طرف این کاره نیست چرا از اول انتخاب می‌شود؟ این رفتار باشگاه استقلال ما را به یاد فوتبال محلی می‌اندازد: در روزهایی که پول در فوتبال خیلی برو بیا نداشت. دهه‌ها پیش مربی بازیکن را به خدمت می‌گرفت و از فلان هوادار پولدار تیم می‌خواست مقداری پول به بازیکن بدهد. یا یک ماشین برای او بخرد و یا... تازه آن موقع‌ها اصلاً این‌طور نبود که هوادار به دروغ به مربی یا مدیر باشگاه بگوید به بازیکن پول داده و بازیکن منکر شود و در این بین آبروی باشگاه به تاراج برود. وقتی شیخ دیاباته و ملیج در این باره با رسانه‌های خارجی صحبت کنند، دیگر بازیکنان و مربیان خارجی چه فکری در مورد باشگاه استقلال و فوتبال ایران خواهند کرد؟

از شرق آسیا دو تیم جویبیلو آیواتا و دالیان چین خود را به این مرحله رسانده بودند. کنفدراسیون فوتبال آسیا بعد از مدت‌ها انتظار ایران میزبان مرحله نیمه نهائی اعلام کرد و مقرر شد مرحله نیمه نهائی ۱۸ اردیبهشت ۱۳۷۸که فردای عاشورای حسینی بود برگزار و فینال در روز جمعه ۱۰ اردیبهشت برگزار شود.

در روزی که تلویزیون ایران به دلیلی بازی بزرگ نیمه نهائی استقلال به صورت زنده به تصویر نکشید و آن را با ۲۴ساعت تأخیر پخش کرد در ورزشگاه آزادی ۷۵هزار نفر با برگزاری حسینه ای پرشکوه خود را آماده یکی از جذاب ترین دیدارهای تاریخ باشگاه های آسیا کردند.در بازی اول جویبیلو آیواتا در ضربات پنالتی و بعد از ۱۲۰دقیقه بیایه برابر العین که ۲۰شده بود حریف خود را با نتیجه ۴بر دو شکست دادو به فینال آسیا رسید.

پیروز زسایلی

هم‌اکنون شواهد نشان می‌دهد شرایط برای از سرگیری مسابقات لیگ برتر فوتبال فراهم‌تر از قبل شده و شانس اینکه رقابت‌های این فصل پشت درهای بسته برگزار شود، به شکل چشمگیری افزایش پیدا کرده است. چند لیگ آسیایی و اروپایی با همین برنامه، تمرینات باشگاه‌ها را استارت زده‌اند و به‌منظر می‌رسد این اتفاق در ایران هم رخ خواهد داد؛ مخصوصاً که طی روزهای اخیر مردم در بسیاری از مشاغل به‌طور تدریجی سر کار برگشته‌اند. گفته می‌شود تمرینات تیم‌های لیگ برتری از دهه دوم اردیبهشت آغاز خواهد شد و پس از آن با پایان‌ماه رمضان، لیگ به‌طور رسمی استارت می‌خورد. فاکتور بسیار مهم اما بدون تماشاگر بودن مسابقات ۹هفته‌ی پآیانی است؛ مسئله‌ای که می‌تواند در تعیین سرنوشت بالا و پایین جدول تأثیر زیادی داشته باشد. قطعاً تیم‌های پرتماشگرتر از این شرایط صدمه خواهند خورد.

برنده‌ها

بدون تردید سراغ بزرگ‌ترین برندگان برگزاری بدون تماشاگر مسابقات را باید در انتهای جدول گرفت؛ جایی که ۲ تیم خودروساز پیکان و سایپا در نبرد برای بقا هستند و حتماً از استادیوم‌های

اینروزها نام لودوویچ دلشات وکیل سرشناس عالم فوتبال در فوتبال ایران به کرات شنیده می‌شود؛ بعد از اینکه زنوزی مالک باشگاه تراکتور این وکیل را به مسایلی چون تبانی متهم کرد امروز باشگاه تراکتور نیز اعلام کرده بزودی از این داور به دادگاه عالی ورزش شکایت خواهد کرد.

اما لودوویچ دلشات کیست که اینقدر اینروزها نامش را می‌شنویم. در عالم وکیل های ورزشی و حوزه فوتبال او بی شک یکی از سرشناس ترین وکیل ها دعاوی است. کسی که ده سال مسئول حقوقی و همچنین رئیس شورای حل اختلاف فیفا بوده است. او امروز اما در هیبت دوگانه فرشته و شیطان مقابل فوتبال ایران ظاهر شده است؛ در حالی که از یک طرف وکیل بازیکنان خارجی است و علیه باشگاه های ایرانی طرح دعوا می کند از سوی دیگر به فدراسیون فوتبال ایران در پرونده مارک ویلموتس کمک می کند.



می‌آید دست‌کم ۴ سال سر کار می‌ماند و وزارت ورزش و جوانان هم می‌تواند مدیر مورد اعتماد خود را برای ۴ سال برای استقلال و پرسپولیس برگزیند. اگر به توان مدیر انتخابی خود ایمان دارید که او را گذاشته‌اید، پس حمایتش کنید و اگر طرف این کاره نیست چرا از اول انتخاب می‌شود؟ این رفتار باشگاه استقلال ما را به یاد فوتبال محلی می‌اندازد: در روزهایی که پول در فوتبال خیلی برو بیا نداشت. دهه‌ها پیش مربی بازیکن را به خدمت می‌گرفت و از فلان هوادار پولدار تیم می‌خواست مقداری پول به بازیکن بدهد. یا یک ماشین برای او بخرد و یا... تازه آن موقع‌ها اصلاً این‌طور نبود که هوادار به دروغ به مربی یا مدیر باشگاه بگوید به بازیکن پول داده و بازیکن منکر شود و در این بین آبروی باشگاه به تاراج برود. وقتی شیخ دیاباته و ملیج در این باره با رسانه‌های خارجی صحبت کنند، دیگر بازیکنان و مربیان خارجی چه فکری در مورد باشگاه استقلال و فوتبال ایران خواهند کرد؟

سند جعلی پرداخت به بازیکنان خارجی استقلال تنها یک سند جعلی نبود، سوءاستفاده از نام باشگاه استقلال بود. بازی یک به اصطلاح هوادار با اسم بزرگ استقلال بود و جالب اینکه می‌آید دست‌کم ۴ سال سر کار می‌ماند و وزارت ورزش و جوانان هم می‌تواند مدیر مورد اعتماد خود را برای ۴ سال برای استقلال و پرسپولیس برگزیند. اگر به توان مدیر انتخابی خود ایمان دارید که او را گذاشته‌اید، پس حمایتش کنید و اگر طرف این کاره نیست چرا از اول انتخاب می‌شود؟ این رفتار باشگاه استقلال ما را به یاد فوتبال محلی می‌اندازد: در روزهایی که پول در فوتبال خیلی برو بیا نداشت. دهه‌ها پیش مربی بازیکن را به خدمت می‌گرفت و از فلان هوادار پولدار تیم می‌خواست مقداری پول به بازیکن بدهد. یا یک ماشین برای او بخرد و یا... تازه آن موقع‌ها اصلاً این‌طور نبود که هوادار به دروغ به مربی یا مدیر باشگاه بگوید به بازیکن پول داده و بازیکن منکر شود و در این بین آبروی باشگاه به تاراج برود. وقتی شیخ دیاباته و ملیج در این باره با رسانه‌های خارجی صحبت کنند، دیگر بازیکنان و مربیان خارجی چه فکری در مورد باشگاه استقلال و فوتبال ایران خواهند کرد؟

سند جعلی پرداخت به بازیکنان خارجی استقلال تنها یک سند جعلی نبود، سوءاستفاده از نام باشگاه استقلال بود. بازی یک به اصطلاح هوادار با اسم بزرگ استقلال بود و جالب اینکه می‌آید دست‌کم ۴ سال سر کار می‌ماند و وزارت ورزش و جوانان هم می‌تواند مدیر مورد اعتماد خود را برای ۴ سال برای استقلال و پرسپولیس برگزیند. اگر به توان مدیر انتخابی خود ایمان دارید که او را گذاشته‌اید، پس حمایتش کنید و اگر طرف این کاره نیست چرا از اول انتخاب می‌شود؟ این رفتار باشگاه استقلال ما را به یاد فوتبال محلی می‌اندازد: در روزهایی که پول در فوتبال خیلی برو بیا نداشت. دهه‌ها پیش مربی بازیکن را به خدمت می‌گرفت و از فلان هوادار پولدار تیم می‌خواست مقداری پول به بازیکن بدهد. یا یک ماشین برای او بخرد و یا... تازه آن موقع‌ها اصلاً این‌طور نبود که هوادار به دروغ به مربی یا مدیر باشگاه بگوید به بازیکن پول داده و بازیکن منکر شود و در این بین آبروی باشگاه به تاراج برود. وقتی شیخ دیاباته و ملیج در این باره با رسانه‌های خارجی صحبت کنند، دیگر بازیکنان و مربیان خارجی چه فکری در مورد باشگاه استقلال و فوتبال ایران خواهند کرد؟

تعویض طلایی حجازی در مسابقه‌ای که دیده نشد!

دالیان به ترکیب خود رضا شاهرودی بازیکن قدیمی پرسپولیس داشت و همین موضوع سانسیت این بازی را در چندان کرده بود بازی دو تیم با حملات استقلال شروع شد ولی تا اواخرنیمه اول گلی به ثمر نرسید،تلاشهای استقلال که با حمایت هواداران همراه بود بالاخره نتیجه داد تا در نهایت شوت زمینی پشت هجده قدم محمود فکری استقلال را یک بر صفر از حریف خود جلو بندازد ودر نهایت دوتیم با همین نتیجه به رختکن رفتند.

در آغاز نیمه دوم ضربه سر موسوی که به حالت شیرجه ای زده شد نماینده ایران با دو گل از حریف خود پیش انداخت تا خیال هواداران استقلال برای رسیدن به فینال و کسب سومین ستاره آسیایی بیشتر شودهر چند داستان این بازی کمی فرق داشت. هنوز ۳۰دقیقه به پایان بازی باقی مانده بود و قرار بود تماشاگران حاضر در ورزشگاه تا مرن سکنه پیش بروند باور کردنی نبوددالیان به بازی برگشت با سه گل در ۱۷دقیقه ابقربه های ساعت ورزشگاه آزادی دقیقه ۱۷،نشان می داندند ودر تابلو ورزشگاه نتیجه ۳بر ۱به نفع دالیان ثبت شده بود.کام‌بک چینی‌ها در راه بود و حالا آنها داشتند از تاریخ انتقام می‌گرفتند تا شکست تلخ تیم ملی کشورشان را در شهریور ۱۶به نتیجه ۴بر دو که در شهر دالیان و با همین شرایط بود را جبران کنند.

دالیان با رضا شاهرودی ۳بر دو پیش بود؛ ۱۳دقیقه به پایان بازی باقی مانده بود و زمان به سرعت برای هواداران استقلال سبزی می‌شد.بازی گره خورده بود و برخلاف نیمه اول موقعیت گلی برای استقلال به وجود نمی‌آمد.چینی‌ها خوب دفاع می‌کردند تا بی‌فینال برسند. ولی نه داستان این بازی فرق داشت، کام‌بک اصلی بازی در

لیگ بدون تماشاگر؛ برنده‌ها و بازنده‌ها

ندانست. در فوتبال چیزی غیرممکن نیست، اما منطق می‌گوید با توجه به همین فاصله و مسابقات آسان‌تر سرخپوشان در ثلث سوم لیگ، بعید است که چنین فاکتوری بتواند قهرمانی پرسپولیس را به خطر بیندازد. کمی پایین‌تر اما شاهد یک جنگ بزرگ برای کسب سهمیه آسیایی هستیم؛ جایی که سپاهان، تراکتور، استقلال، شهرخودرو و فولاد به‌ترتیب با ۲۷، ۲۷، ۲۶، ۲۵ و ۲۳امتیاز روی پله‌های دوم تا ششم ایستاده‌اند. تازه فراموش نکند فولاد و استقلال یک بازی عقب‌افتاده دارند که روبه‌روی هم برگزار خواهد شد. بنابراین رقابت برای آسیایی شدن بسیار داغ است. با درنظر گرفتن جایگاه تیم‌ها و وزن هواداران‌شان، به‌نظر می‌رسد برگزاری مسابقات پشت درهای بسته از همه بیشتر به ضرر تراکتورسازی است؛ تیمی که معمولاً در مسابقات مهم‌تر میانگین تماشاگر خوبی دارد و این می‌توانست برای آنها پوئن باشد. تراکتور پارسال هم آسیایی نشد و این مسئله بسیار دارد و با بکیرند، اما تلاش‌شان به جایی با شکایت از شهرخودروی مشهد مجوز حضور در لیگ قهرمانان را بگیرند، اما تلاش‌شان به جایی نرسید. تیریزی‌ها اگر امسال هم آسیایی نشوند، این مسئله یک شکست بزرگ برای زنوزی خواهد بود و شاید او را در مورد ادامه باشگاه‌داری مورد کند.

بازنده‌ها

شاید اگر پرسپولیس در صدر جدول ۱۰امتیاز با رقیبا فاصله نداشت، می‌شد این تیم را بازنده اصلی برگزاری مسابقات پشت درهای بسته

لودوویچ دلشات؛ فرشته یا شیطان؟

در مورد لودوویچ این وکیل پایه یک سوئیسی گفته می‌شود یکی از خیره‌ترین وکلای دعاوی در عالم فوتبال است، او همانطور که گفته شد ده سال رئیس DRG (اتاق حل اختلاف فیفا) بوده و یکی از مورد وثوق ترین افراد فدراسیون جهانی فوتبال به حساب می‌آید. او وکیلی سبوتاژ و کم حرف است که با دو دستیار که ای اش کارها را انجام می‌دهد.

در مورد دلشات در ایران امروز یک گروه مخالف جدی و یک گروه موافق قرار دارد و مشخص نیست آیا او برای فوتبال ما یک فرشته است یا شیطان؟ شاید هر دو. او اکنون پرونده کوبن فورچونه را برای پیروزی علیه تراکتور در ایران به دست گرفته است اما درباره پرونده استوکس و کنستانت نیز نظر مخالف مالک باشگاه تراکتور می‌گوید که دلشات توانسته تخفیف خوبی بگیرد. او مبلغ درخواستی ۱ میلیون و ششصد هزاریورویی استوکس را به ۵۰۰ هزاریورو و پرونده ۱میلیون و پانصدهزار

دستمزد بازیکن را باشگاه باید پرداخت کند یا طرفدار؟

نام استیل‌آذین تأسیس کرد. او خیلی در فوتبال هزینه کرد، اما مشکل را پرداختی بود؛ پول‌هایی که او خیلی زود هزینه کرد از وام‌هایی بود که از دولت می‌گرفت! جالب اینکه در باشگاه او یکی از واسطه‌های مدعی پرداخت پول به مربیان خارجی شد در حالی که در این زمینه سندسازی صورت گرفت و فیفا هم به همین بهانه از استیل‌آذین امتیاز کسر کرد.

آنتونی استوکس؛ او هم قرار است از هوادار پول بگیرد

به نظر می‌آمد آنتونی استوکس هم یکی از خریده‌های خوب پرسپولیس باشد، اما او خیلی زود از حضور در پرسپولیس سر باز زد به این بهانه که جان او به بهانه کرونا در ایران در خطر است. حالا، اما گفته می‌شود دستمزد او قرار است از سوی یکی از هواداران پرداخت شود. توصیه ما طبیعتاً به باشگاه این است که پول را از هوادار بگیرد و خود به حساب بازیکن بزند. سند باشگاه است که برای فیفا اعتبار دارد نه سند هوادار.

استراماچونی؛ هیچ‌کس تفهیم چرا نیامد

باشگاه استقلال مدعی شد هر آنچه لازم بود برای بازگرداندن استراماچونی انجام داد، اما مربی ایتالیایی منکر می‌شد. گفتند او با یک تیم جدید مذاکره کرده و بهانه می‌آورد در حالی که این‌چنین نبود. طبیعتاً انتظار از باشگاه استقلال این بود که اصلاً اجازه نمی‌داد استراماچونی تهران را ترک کند. مدیریت در باشگاه استقلال به خصوص مدیریت مالی، تبدیل به یک معادله چندمجهولی شده است و هیچ‌کس راه حل را نمی‌داند.

سوپر جام؛ استقلال فقط هزینه کرد

پرونده سوپرجام هم یکی از پرونده‌های بحران‌ساز استقلال در سال‌های اخیر بود. پرونده‌ای که با بازی استقلال شکل نمی‌گرفت، اما بعد به جای قبول اشتباهات مسیر اعتراض به پرونده را به پیش گرفت و برای سفر و وکیل خارجی هزینه کرد و در نهایت هم رای به سود پرسپولیس صادر شد. آنجا هم به باشگاه استقلال گفتند هزینه کرد و برنده می‌شود! هزینه کرد، اما برنده نشد! بحران مدیریت در استقلال به نظر می‌رسد چیز تازه‌ای نیست.



راه بود . حجازی دستوراتضا مهمترین برگه تعویض زندگیش داد، علیرضا اکبرپور به بازی آمد تا دقیقه ۸۷بازی ورزشگاه آزادی غرق در خوشحالی شود. فرار در عمق اکبرپور با ضربه فنی او به گوشه سمت چپ دروازه نتیجه را سه بر سه کرده بود و بازی باید در وقت های اضافه که در آن زمان با قانون گل طلایی همراه بود ادامه پیدا می کرد .

بازی به وقت های اضافه رفت، در نیمه اول وقت های اضافه تلاش های هر دو تیم نتیجه ای نداشت، وقت اضافه دوم فراسرید . در دقیقه ۱۰۸بازی حضور نهن عالی علی موسوی با چرخشی زیبا در دروازه جنوبی ورزشگاه همراه شد تا استیالی با گل طلایی و دبل موسوی برنده شود و به چهارمین فینال آسیایی خود برسد.ر کوردی که یکی از افتخارات باشگاه استقلال و هواداران این تیم است.

نکنه بامزه اینکه قبل از کرونا، تراکتور قویا گفته بود اجازه ورود دوربین‌ها به ورزشگاه یادگار امام و پیش مسابقاتش از تلویزیون را نخواهد داد. حالا اگر بازی‌ها بدون تماشاگر شود، مسابقات این تیم را نه از پای تلویزیون می‌شود دید و نه از داخل ورزشگاه! پایین جدول هم ۲ تیم شاهین بوشهر و گل‌گهر سیرجان که برای کمی‌جنگند، بدون تماشاگران‌شان با دشواری مواجه خواهند شد؛ مخصوصاً شاهین که هم هواداران بیشتری دارد و هم قبل از کرونا تازه اوج گرفته بود.

دومین داریی بدون تماشاگر تاریخ

یک نکته بامزه دیگر در همین مورد؛ پرسپولیس و استقلال همچنان در جدول جام حذفی امسال حضور دارند. سرخپوشان به نیمه‌نهایی رسیده‌اند و آبی‌ها در یک‌چهارم باید با سپاهان مصاف بدهند. اگر سرخایی‌ها در ادامه مسابقات حذفی به هم بخورند و بازی‌ها پشت درهای بسته باشد، شاهد برگزاری دومین داریی بدون تماشاگر تاریخ خواهیم بود. شه‌آورد خاموش قبلی، سال ۷۳در بندربعاس برگزار شد که ۲ تیم به تساوی بدون گل رضایت دادند. آن بازی به‌خاطر حواشی، دعواها و محرومیت‌های سنگین ناشی از داری قبلی در بندربعاس و پشت درهای بسته برگزار شد.